



آفتاب یزد- گروه فرهنگی: این روزها اگر به پردیس تئاتر شهزاد سر بزیند، شاهد نمایش جذاب و موفق «تله‌موش» خواهید بود به کارگردانی سیاوش اسد و تهیه‌کنندگی لیلا اسماعیلی. این نمایش که مانند دیگر آثار اسد، در ژانر وحشت تولید شده، بر مبنای داستانی به همین نام نوشته آگاتا کریستی، بازنویسی و تولید شده است نکته قابل توجه نمایش این که در «تله‌موش» بازیگرانی همچون سحر نظام‌دوست، اردلان شجاع‌کاو و عمر تفتی از سینما به تئاتر دعوت شده‌اند و بنا بر نظر کارگردان و تماشاگران، توانسته‌اند بازی‌های درخشان و تحسین‌برانگیزی ارائه بکنند. سیاوش اسد از دانش‌آموختگان مکتب حمید سمندریان است که سال‌هاست تئاتر و به ویژه تئاتر ژانر وحشت را در شکل حرفه‌ای آغاز کرده و ادامه می‌دهد. به بهانه استقبال مخاطبان از این نمایش، پای حرف‌های سیاوش اسد نشستیم و با او در حال‌وهوای تئاتر «تله‌موش» گفت‌وگو کردیم.

**آقای اسد، گویا نمایشنامه شما یک اقتباس ادبی از نوشته‌های آگاتا کریستی است. متن اصلی، نمایشنامه بود یا رمان؟**
بله، متن اصلی در واقع یکی از رمان‌های این نویسنده بود. البته یک نمایشنامه نصفه‌نیمه به دستم رسیده بود اما من کلاً هر بار که نمایشنامه‌ای به دستم می‌رسد، شروع می‌کنم به بازنویسی کردن آن. عادت ندارم متنی را که کارگردانی می‌کنم، عین همان را از اول تا آخر اجرا بکنم. همیشه یک بار متن را می‌خوانم. وقتی تمام مغز نمایشنامه در ذهنم رفت، شروع می‌کنم به بازنویسی کردن بر مبنای آنچه که می‌خواهم اتفاق را رقم بزنم. در مورد «تله‌موش» باید گفت این یک تئاتر نیست، بلکه سینمائتاتر است! یا حتی می‌توان گفت تله‌تئاتر. وقتی دوربین به کاربیم، می‌توانیم یک تله‌تئاتر ببینیم. تمام قاب‌های، من بستیم، دکوپاژ شده است. به خصوص که دارم با بازیگران تلویزیون و سینما کار می‌کنم و آنها کاملاً دوربین را می‌شناختند و وقتی می‌گفتم الان اورشولدر را کلوپ‌آپ شمامست، آکت مناسب آن را انجام می‌دادند.

**پس در واقع می‌توان گفت مخاطب در مواجهه با اثر شما، یک تله‌تئاتر زنده می‌بیند!**
بله، دقیقاً همین‌طور است. خیل خوشحالم از این‌که نمایش ما آن قدر مخاطب را به خود جذب کرده که مدام در صفحات مجازی و تبلیغاتی نمایش به ما پیام می‌دهند و می‌گویند «ما ابتدا سعی می‌کردیم بازی بازیگران را ببینیم از دیدگاهی ۵۰۰ و ۵۰۰ وارد متن می‌شویم و داستان را دنبال می‌کنیم. دیگر به عملکرد بازیگران دقت نمی‌کنیم که تیپ زد یا نه، یا میزانشش را درست رفت یا نه». یعنی به قدری در جریان و سیر نمایش قرار می‌گیرند که با وجود تعلق‌هایی که در نمایش گذاشتیم و اتفاق‌هایی که رقم زدم، وقتی به یک صحنه شلیک می‌رسند، تصور می‌کنند نمایش تمام شد. حتی نور تماشاگر که روشن می‌شود، او منتظر و سردرگم مانده که آیا نمایش به پایان رسیده یا ادامه دارد. کاملاً مثل نمایش «مرد بالشی» که بازنویسی کرده‌ بودم.

**کاربرد تکنیک‌ها و تاثیرپذیری نمایش‌های شما از مدیوم سینما و تلویزیون، از کجا ناشی می‌شود؟**

من در نمایش‌هایم خیلی وام‌گرفته‌ از فیلم‌های هالیوودی هستم. نمایش‌های بعدی‌ام را هم با عناوین «جسم‌های در کانامار!» و «سه شب با مادوکس» با همین شیوه پیش می‌برم و متن آنها را سینمایی می‌نویسم.

**یکی از مهم‌ترین معضلاتی که این روزها فضای تئاتر ما با آن مواجه است، کمبود مت‌ها یا نمایشنامه‌های خوب است. بسیاری از منتقدان و هنرمندان گلگمنند که دیگر کسی سراغ نمایشنامه‌های موجود و آشنا نمی‌رود و اغلب کارگردان‌ها به اقتباس‌های ادبی ر آورده‌اند یا مثل شما سرقت فیلم‌های سینمایی می‌روند و آنها را به مدیوم تئاتر تبدیل می‌کنند. به نظر تان**

## نمایش ویژه «سازدهنی» در سینما فرهنگ

فیلم «سازدهنی» از آثار امیرنادری در سالن اختصاصی هنرو تجربه در سینما فرهنگ به نمایش در می‌آیند. روز جمعه ۲۵ خرداد و در ساعت ۲۴ فیلم «ساز دهنی» در سینما فرهنگ اکران می‌شود. به گزارش هنر و تجربه، این کارگردان پرچسته سینما فیلم «ساز دهنی» را در سال ۱۳۵۲ ساخت. فیلمی که موفق شد مدال طلای شهر جیفونی و جایزه گرینفن برنزی یادبود دومینیکو مکولی را از آن خود کند.

### آفتاب یادداشت



## خوشاراهی که پایانش توباشی

### داریوش نصیری • کارگردان

هنر به عقیده اکثر اندیشمندان و صاحب‌نظران زبان مشترک تمام انسان‌ها و امات ویژه خداند به انسان است. هر هنری ابزاری برای ایزاز و بروز خود دارد و هنر نمایش و تئاتر نیز از این امر مستثنی نیست، به عبارتی می‌توان حرکت و بیان بدنی را یکی از ارکان مهم این هنر و جزو یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازیگری دانست. نگاه اول: حرکت یکی از ضروریات زندگی بشری و از مشخصه‌های طبیعت است و جهان پیرامون ما و خود ما نیز به‌عنوان جزئی از این طبیعت دائم در حال حرکت هستیم و تحمیل یک وضعیت ثابت برایمان دشوار است. حرکت بر پایه حافظه و تجربه به شکل می‌گیرد و هنرمندان از دیرباز علاقه‌مند به بیان و ثبت حرکت در آثارشان بودند و این امر به شیوه‌های مختلف در آثار هنری به چشم می‌خورد. نمایش قرآنی «مرا به نام خودم بخوان» به کارگردانی زهرا اسلام‌پناه براساس آیاتی از سوره مبارک که بقره و چند سوره مکمل دیگر همچون رعد و نساء مبتنی بر حرکت، فرم و بیان بدنی با همراهی موسیقی اجرا می‌شود. این نمایش فرمالیستی که توسط گروه جوانی از دانشجوین و دانش‌آموختگان رشته بازیگری تهیه شده، نزدیک به ۹ ماه پرروسه آماده‌سازی آن با مدت‌زمان ۵۰ دقیقه، از پیش‌تولید و تمرینات تا اجرای صحنه به طول انجامیده است.

نگاه دوم: از دمیده‌شدن روح خداند بر کالبد جسم خاکی، انسان اشرف مخلوقات خلق می‌شود. تمام ملائک باید طبق فرمان الهی به انسان‌ها با کبریا احترام کنند، همه اطاعت می‌کنند جز ایلیس. سرپیچی او هم‌زمان با اخراجش از درگاه الهی، سزافاژ کینه‌ای ازلی ابدی با انسان و فریب او تا پایان جهان هستی است؛ آسانی که هر لحظه غفلت از پروردگار، امکان سقوط و در آغوش گرفتن شیطان را دارد. هر چقدر از ظلمات الهی دور می‌شود، همان‌قدر تاریک و نادان‌تر می‌شود و هر چقدر به خداوند نزدیک‌تر می‌شود و او را بیشتر یاد می‌کنند، شیطان شکست بیشتری می‌خورد و در حقیقت این پایان ماجراست. این اثر در اجرا

### موسیقی

### با کت و شلوار شیک نمی‌شود پیراهن پاره پوشید!



قدیمی هستند. دیگر کار این سن‌ها از تعمیر گذشته و باید سازه‌های جدید خریداری کرد. به گزارش ایسا، رهبر سابق ارکستر موسیقی ملی ایران که آهنگسازی فیلم‌هایی مانند ارغوان، خواب

این دو ارکستر در روسیه می‌شود، صرف بهتر شدن وضعیت ارکسترها می‌شد. این نوازنده و رهبر ارکستر در این زمینه اظهار کرد: این حرکت خوب است، اما بودجه‌ای که صرف این کار می‌شود می‌توانست بهتر از یک کت و شرایط ارکسترها شود. به‌عنوان مثال، باید سازه‌های ارکستر سمفونیک را نو کنیم، تمام سازه‌ای آن، به‌ویژه سازه‌های کترباس خیلی

### دادنامه

پرونده کلاسه ۰۰۰۱۰۰۱۳۶۱۵۰۹۹۸۹۸۹۵ شماره پایگانی شعبه ۹۶۰۶۵۲ شعبه ۱۰۷۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مدرس تهران ۱۱۰۴ جزایی سابق تعمیم نهایی شماره شکات آقای سعید محبت فرزند حسن به نشانی تهران خ منوچهری بعد از چهارراه لاله زار پد ۸۵ آقای مسعودحاج صادقی فرزند محمد حسن به نشانی شهرستان شاهین شهر شیخ بهایی فرعی سه غربی پلاک ۲۹ آقای کاوه محمدریور فرزند علی به نشانی شهر زیبا بلوار تاوون نوبهار غربی ساختمان آبادانا پ ۴ واحد۲۸ آقای مهدی موحدیان قمی فرزند محمد حسین به نشانی تهرانسر شهرک پاسداران خ شهید طالق پ ۲۳ غربی پ ۵۱ آقای داریوش محمد فرزند غلامرضا به نشانی جنت آباد بلوار بعثت شانزده متری یک جنبوی خ قربانی زاده پ ۶۲ واحد دو خانم سمیم رضایی فرزند عباس به نشانی مشهد رضاشهر خاقانی ۱۸- ۲۸- واحد۵ مهتیمین آقای علی اکبر تلخایی فرزند قربان به نشانی ندامتگاه تهران بزرگ آقای میلاد بخشی پور فرزند ایرج به نشانی مسعودیه ده متری پنهانش صفت خ ایلیخانی پ ۲۷۶ آقای محمدرضا یاری مجهول‌المکان اتهام‌ها تحصیل مال از طریق نامشروع مشارکت در کلاهبرداری اعتراض به قرار رای دادگاه در خصوص اتهام آقایان علی اکبر تلخایی میلاد بخشی پور محمدرضا یاری متواری منبى بر تحصیل مال از طریق نامشروع و مشارکت در کلاهبرداری نسبت به شکات سعید محبت به مبلغ ۳۵/۱۰۹/۹۱۳ تومان محمدرضا یاری سعید محبت و هفتصد و هشتاد و یک هزار و پانصد و سی و سه ریال توضیحا بنا به اظهارات آقای تلخایی متهمان برای وی بیست و پنج حساب افتتاح کرده‌اند وس پس وجوهی که به حساب وی واریز می‌شده است را نامبردگان برداشت کرده‌اند و نیز با عنایت به اظهارات آقای بخشی پور راجح به نقش آقای یاری به شرح صورتحلسه ۹۵/۸/۸۲۰ و نظر به استعلامات با عمل اسده از بانک وپرینت حساب شکات و نظر به عدم دفاع متهمان و با عنایت به توضیحات آقایان تلخایی و بخشی پور راجعبه ی‌کدیگر و و واریز کلیه وجوه به حساب آقای تلخایی و نظر به نشر اگهی به لحاظ عدم دسترسی به اباق یاری بزه انشایی به متهمان را با تطبیق عمل آنها با ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری محرز وثابث دانسته و با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی هر یک از متهمان به شش فقره هفت سال حبس و پرداخت جزای نقدی هر یک به میزان هفتاد و هشتاد و یک ریال پنج شکات و رد مال به شرح مذکور به صورت تضامنی محکوم می‌شوند و صرفاً یک فقره مجازات حبس ک اشند می‌باشد قابل اجرا خواهد بود در خصوص اعتراض آقای مهدی موحدیان قمی نسبت به قرار منع تعقیب صادره از شعبه پنجم بازپرسی در کلساه ۹۴/۱۶۲۶ به توجه به معلولیت ذهنی خانم سمیرا میرزائی و دفاعیات وی و نظر به توضیحات متهمان دلیل کافی بر مشارکت و اطلاع نامبردگان موجود نمی‌باشد لذا اعتراض وارد نبوده به استناد مواد۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ قانون ایمن دادرسی کیفری ضمن رد اعتراض قرار موصوف را تأیید می‌نماید رای صادره در قسمت اخیر قطعی و در خصوص سایر موارد و نسبت به آقای یاری غیابی بوده و طرف بیست روز از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و نسبت به دو نفر دیگر حضوری بوده وظرف بیست روز از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر تهران می‌باشد.

**۳۸۴۸۶ رئیس شعبه۱۰۷۷ دادگاه کیفری دو تهران**

### دادنامه

پرونده کلاسه ۰۰۰۱۰۱۱۲۰۹۹۸۲۱۵۰ شماره پایگانی شعبه ۹۵۱۳۵۴ شعبه ۱۰۷۹ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مدرس تهران ۱۰۷۹ جزایی سابق تعمیم نهایی شماره ۰۰۱۱۸۰۹۹۷۲۱۶۶۲۰۰۱۲۸ شاکای آقای صمد قلیچ تبه شراهی فرزند حسن به نشانی اراک بخش خنداب روستای قلیچ تبه متهم آقای علی قلیچ تبه ای به نشانی اراک بخش خنداب روستای قلیچ تبه اتهام‌ها توین به اشخاص عادى ضرب و جرح عمدی رای دادگاه در خصوص اتهام آقای علی قلیچ تبه ای فرزند شاه رضا دایر بر ا یراد جرح عمدی با چاقو از توجه به شکایت اولیه شاکی خصوصی و صرف نظر از اعلام گذشت بعدی وی نظربه پزشکی قانونی و نوع و کیفیت صدمات مذکور در آن عدم حضور و عدم دفاع موثر و منافی با مراتب منکس شده ذرپرونده قرار مجرمیت دادرسی عمومی وانقلاب تهران و سایر اوراق پرونده بزهکاری نامبرده به نظر محرز است از این رو باستناد ماده ۶۱۴ م ا مصوب۷۵ وی را به تحمل یک سال حبس جزای متزیمی محکوم می‌ کند این رای غیابی و قابل واخواهی است و پس از آن قابل اعتراض در دادگاههای محترم تجدیدنظر استان تهران است.

**۳۸۴۸۷ رئیس شعبه ۱۰۷۹ دادگاه کیفری دو تهران**

**دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۰۲۰۰۱۴۱۴۲۸ یا از طریق پست در میان بگذارید.**



### گفت‌وگوی آفتاب یزد با سیاوش اسد

### کارگردان نمایش «تله‌موش»

# خصوصی‌سازی

# معضل تئاتر است

**این رویداد، می‌تواند به روند جریان تئاتر کشور کمک کند یا بیشتر ضعیفی است در ادبیات نمایشی ما؟**
ببینید، الان در کشور نمایشنامه‌های قوی زیاد است و ما نمایشنامه‌نویس‌های خیلی خوبی داریم که مشغول کار هستند. منتهی بستگی به ژانری دارد که یک کارگردان در آن کار می‌کند. خب ژانر من، ژانر ایرانی نیست. هر چقدر هم به سمت متن‌های ایرانی بروم، باز نمایشنامه‌هایم را کلاسیک می‌نویسم، چون من دانش‌آموخته‌ای کسی هستم که با «برشت» کار می‌کرد! استاد سمندریان، یک کارگردان خارجی کار بود و به نظر من نمایشنامه‌های کلاسیک را به شکل گسترده‌ای وارد تئاتر کرد. تئاتر با همین خاطر، من به آن سمت‌وسو رنتم که از متون نمایشنامه‌نویسان خوب کشور کار بکنم، ولی فکر نمی‌کنم نمایشنامه‌های بدی موجود باشند. کارگردان باید بداند یا چه نمایشنامه‌ای روبرو است. استاد سمندریان حرف قشنگی می‌زد، می‌گفت «مایشامه یکسری متن و کلمه است، باید ببینید شما قفل‌های زیر متن را چگونگی می‌توانید باز بکنید. هر نمایشنامه‌ای که شاه‌کلید دارد، شما نمی‌توانید گروتسک را طوری اجرا بکنید که گروتسک نباشد. نمی‌توانید نمایشنامه‌ای را که انتزاعی نوشته‌شده، به شکل انتزاعی اجرا کنید!وقتی شاه‌کلید متن را پیدا بکنید، خود نمایشنامه درست اجرا می‌شود.» ضعف نمایش‌های ما در یک جای دیگر است، یکسری کارگردان‌های جوان وارد عرصه تئاتر شده‌اند و خصوصی‌سازی‌هایی در تئاتر ایران اتفاق افتاده که هر کسی با هر مبلغی می‌تواند ایس اتفاق را رقم بزند و همین تبدیل می‌شود به معضل تئاتر.

**پس در واقع می‌توان گفت مخاطب در مواجهه با اثر شما، یک تله‌تئاتر زنده می‌بیند!**
بله، دقیقاً همین‌طور است. خیل خوشحالم از این‌که نمایش ما آن قدر مخاطب را به خود جذب کرده که مدام در صفحات مجازی و تبلیغاتی نمایش به ما پیام می‌دهند و می‌گویند «ما ابتدا سعی می‌کردیم بازی بازیگران را ببینیم از دیدگاهی ۵۰۰ و ۵۰۰ وارد متن می‌شویم و داستان را دنبال می‌کنیم. دیگر به عملکرد بازیگران دقت نمی‌کنیم که تیپ زد یا نه، یا میزانشش را درست رفت یا نه». یعنی به قدری در جریان و سیر نمایش قرار می‌گیرند که با وجود تعلق‌هایی که در نمایش گذاشتیم و اتفاق‌هایی که رقم زدم، وقتی به یک صحنه شلیک می‌رسند، تصور می‌کنند نمایش تمام شد. حتی نور تماشاگر که روشن می‌شود، او منتظر و سردرگم مانده که آیا نمایش به پایان رسیده یا ادامه دارد. کاملاً مثل نمایش «مرد بالشی» که بازنویسی کرده‌ بودم.

- «تله‌موش» یک تئاتر نیست، بلکه سینمائتاتر یا تله‌تئاتر است!
- تئاتر جراحی ایران، مدیون تئاتر حمید سمندریان است
- کارگردان باید بداند به چه نمایشنامه‌ای روبرو است
- تئاتر‌ها اول باید درس تئاتر را خوب بلد باشند، یعنی خوانده باشند و تئاتر را آکادمیک بدانند. بعد کار را شروع بکنند. در تئاتر، تماشاگر زده می‌شود

- «تله‌موش» یک تئاتر نیست، بلکه سینمائتاتر یا تله‌تئاتر است!
- تئاتر جراحی ایران، مدیون تئاتر حمید سمندریان است
- کارگردان باید بداند به چه نمایشنامه‌ای روبرو است
- تئاتر‌ها اول باید درس تئاتر را خوب بلد باشند، یعنی خوانده باشند و تئاتر را آکادمیک بدانند. بعد کار را شروع بکنند. در غیر این صورت، تماشاگر زده می‌شود

زده می‌شود، می‌رود چهار، پنج نمایش می‌بینند و می‌گویند «تئاتر‌های خوبی نبودند، خسته شدم و چیزی برای من نداشت.» به خصوص در سالن‌های خصوصی که چند نمایش پشت سر هم اجرا می‌شوند و تماشاگری که زود خسته شده، باید زود هم سالن را ترک بکند و این معضل است، ولی اگر کارگردانی کارش را بلد باشد،گروه بازیگرانش را درست چینی‌د و از ترکیب بازیگران سینما و تئاتر و دانشجوین این عرصه استفاده بکند، مطمئناًنمایش خوبی خواهد شد.

**آ ابتدای گفت‌وگواشاره کردید در متن‌هایی که روی صحنه می‌برید، تغییراتی ایجاد می‌کنید. این تغییرات چقدر و بر چه مبنایی است؟ آیا بسته به نیاز و روحیه تماشاگر است یا مفاهیم و اندیشه ذهنیتان را که قصد دارید به مخاطب منتقل بکنید، به متن اضافه می‌کنید؟**

در واقع هر دو مورد را. وقتی من نمایشنامه «تله‌موش» را می‌نوشتم، پیش از آن «مرد بالشی» را کار کرده بودم که حدود ۹۸ یا صد دقیقه بود. چند روز اول دیدم مردم از داستان نمایش خسته می‌شوند، داستان درباره هنرمندی بود که مثل «هیث لجر» ما خودش را فاسا می‌کند و فقط یک اسم از آنها باقی می‌ماند. آنجا خانواده‌یی بودند

**آ نمایش «تله‌موش» در تماشاخانه شهرزاد اجرا می‌شود. تهیه‌کننده دارد و غیر از بازیگران**

حرفه‌ای تئاتر، بازیگران شناخته‌شده و مشهورتری مثل آقای اردلان شجاع‌کاو، عمار نفتی و سحر نظام‌دوست هم در آن بازی دارند اما خودتان بهتر می‌دانید که تئاتر خصوصی طی صحبت درباره کارآمدن در ایشان دیدیم، خیلی شده و غالب کارگردان‌ها، برای فروش بیشتر و پر کردن سالن، سرراغ چهره‌های سینمایی می‌روند، ولی شما معمولاً از این ترفند یا امتیاز استفاده نمی‌کنید و بیشتر بر توانمندی بازیگران اتکا دارید. موافقتی؟

مطمئناً بله. اول باید بگویم تهیه‌کننده این نمایش، خانم لیلا اسماعیلی، با خوشرودی کامل و خوش‌رویی، کاریزما و متانتی که وقتی از روز اول برای صحبت درباره کارآمدن در ایشان دیدیم، خیلی قرار داد بست. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستالژی خیلی خوبی در کار بود. ایشان آمدند بی‌ساعتا سرمایه‌شان را روی کار ما گذاشتند و هر چه من گفتم، پذیرفتند و با بازیگران قرارداد بستت. مسئله‌ای وجود دارد درباره بازیگران قدیمی تئاتر و بازیگرانی که از سینما وارد تئاتر می‌شود، خب من به آقای اردلان شجاع‌کاو خیلی فکر کردم، چون نوستال